امام جواد (ع) در بیانات و بنانات امام رضا (ع)

حبیب‌الله (حسیب) احسانی

طاهره رضایی

چکیده

شناخت هر امام در آیینه امام دیگر، یکی از مورد اعتمادترین راه در شناخت امام و امامت است. این گزاره در مورد یکایک امامان معصوم (علیهم السلام) می‌تواند صادق باشد، ولی دامنه این نوشتار، به حضرت جواد الائمه (ع) در آیینه بیانات و بنانات حضرت ثامن‌الائمه علی‌بن‌موسی الرضا (ع) محدود است. ویژگی‌های منحصر به فرد امام جواد (ع)، موقعیت و عصر آن امام همام و به‌طور خاص، شبهات مطرح در ارتباط آن حضرت، از جمله عواملی است که ضرورت این نوشتار را دوچندان می‌نماید. علاوه بر این، مجموعه روایات منقوله و نامه‌های برجای مانده از حضرت رضا (ع)، آیینه تمام‌نمایی است که پاره‌ای از رویدادهای مربوط به احوالات امام جواد (ع) را از ولادت تا امامت، شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت و نهایتاً شبهات مربوط به ایشان را به روشنی منعکس می‌کند. به همین منظور، این مقاله در سه بخش تنظیم و انجام یافته است: بخش اول ولادت و مقدمات و رخدادهای مرتبط با آن، بخش دوم شخصیت حضرت جواد (ع) در پرتو بیانات حضرت رضا (ع) و در نهایت بخش سوم به امامت امام و شبهات وارده، اختصاص یافته است.

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، امام رضا (ع)، امام‌شناسی، ولادت، امامت.

مقدمه

آثار نگارش‌یافته درباره زندگی و رخدادهای مربوط به امام جواد (ع)، ابعاد مختلف زندگی آن امام همام و مسائل پیرامونی را تحت پوشش قرار داده است. هریک از این پژوهش‌ها، در جای خودش مغتنم است. در این میان، نویسندگان این سطور، برای این‌که سهمی در همایش آن امام همام داشته باشند، مجموعه بیانات و بنانات مبارک پدر بزرگوارشان را درباره شخصیت، رویدادهای مربوط به دوران قبل و بعد از ولادت امام جواد (ع)، مسأله امامت و شبهات

مرتبط با آن و برش‌هایی از نامه‌های حضرت رضا (ع) به امام جواد (ع) را با عنوان «آیینه در آیینه» یا امام جواد (ع) در بیانات و بنانات امام رضا (ع)، آورده‌اند. نگارندگان مقاله، ادعا ندارند تمام روایات و مکاتبات حضرت رضا (ع) درباره فرزندش امام جواد (ع) را در چنین مقاله‌ای بگنجانند؛ زیرا «بحر قلزم اندر ظرف ناید»؛ به ویژه این‌که پاره‌ای از این روایات، تحلیل و شرح لازم را می‌طلبد. در این نوشته، از این مهم صرف‌نظر و سعی شده به دسته‌بندی و گزارش این روایات و مکاتبات، در سه بخش یاد رفته: ولادت، شخصیت و امامت امام جواد (ع) بسنده شود.

ولادت امام جواد (ع) و نشانه‌های آن

بر پایه برخی از گزارش‌ها و روایات، امام رضا (ع)، به مناسبت‌های مختلف آمدن امام جواد (ع) را بشارت می‌دادند و نشانه‌هایی برای آن حضرت ذکر می‌کردند. بزنطی می‌گوید:

پسر نجاشی از من پرسید: «امام بعد از حضرت رضا (ع) کیست؟ دلم می‌خواهد این سؤال را بپرسی تا برایم واضح شود.» خدمت حضرت رضا (ع) رسیده، جریان را عرض کردم. فرمود: «امام بعد از من پسرم خواهد بود». کی جرأت دارد که بگوید پسرم! با این‌که فرزندی ندارد و هنوز حضرت جواد (ع) متولد نشده بود؛ اما چیزی نگذشت که امام جواد (ع) متولد شدند.۱

ص: ۱۶۵

حسین بن یسار می‌گوید:

ابن‌قیاما واسطی، نامه‌ای برای حضرت رضا (ع) نوشت و در آن سؤال کرد: «چطور ممکن است شما امام باشید با این‌که فرزند ندارید؟» حضرت رضا (ع) جواب دادند: «تو از کجا می‌دانی من فرزند نخواهم داشت؛ به خدا قسم این شب و روز به پایان نمی‌رسد تا خداوند مرا پسری عنایت کند که به‌وسیله او خدا حق را از باطل جدا گرداند».۲

اسماعیل بن بزیع گوید:

---

۱ .« قادتنا کیف نعرفهم»، ج ۷، ص ۱۴.

۲ . ابو محمد حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۶۱۷.

از امام رضا (ع) پرسیدم: «آیا امامت در عمو یا دایی هم می‌باشد؟» فرمودند: «خیر.» گفتم: «در برادر چطور؟» فرمودند: «خیر.» پرسیدم: «پس امامت از آن‌چه کسی است؟» فرمود: «در پسرم».۳ (در حالی که ایشان در آن زمان فرزندی نداشتند).

هرچند نوید ولادت حضرت جواد الائمه (ع)، از پیش داده شده بود، این بشارت، با بارداری مادر مکرمه حضرت جواد (ع) یک گام به تحققش نزدیک‌تر شد. بر پایه برخی گزارش‌ها، هنگامی که خیزران- همسر امام رضا (ع)- به امام جواد (ع) باردار شدند، حکیمه- دختر امام موسی کاظم (ع)- خدمت برادر بزرگوارش امام رضا (ع) نامه‌ای نوشت و آن حضرت را از این امر آگاه ساخت. امام رضا (ع) از علم مخزون و مکنون امامت خویش تاریخ دقیق بارداری همسرش را بیان کردند و در پاسخ خواهرش نوشتند: «او در فلان روز، از فلان ماه باردار شده است؛ پس هنگامی که تولد یافت، هفت روز ملازم و همدم او باش!»۴

زمانی که ولادت امام جواد (ع) نزدیک شد، امام رضا (ع) به حکیمه فرمودند: «ای حکیمه! هنگام وضع حمل خیزران در نزد او حاضر باش.» ایشان حکیمه و قابله را در اتاقی جای دادند، و چراغی را در آن اتاق نهادند، و در را به روی آن‌ها بستند. وقتی خیزران درد زایمان گرفت، چراغ خاموش شد. در کنار او

تشتی قرار داشت. حکیمه از خاموش شدن چراغ، غمگین شد. در همین هنگام حضرت جواد (ع) را در میان تشت دید که پرده نازکی مانند لباس، بدن او را فراگرفته بود. نور درخشنده‌ای داشت، به طوری که بر اتاق تابید و آن‌جا را روشن کرد. حکیمه نوزاد را گرفت و بر دامن خود نهاد و آن پرده نازک را از بدنش جدا نمود.۵ در این هنگام حضرت رضا (ع) آمدند و در اتاق را گشودند، و طبق سنت پیامبر اکرم (ص) و دیگر پدرانش در مورد فرزندانشان، با امام جواد (ع) رفتار نموده، عمل تحنیک و گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ را انجام دادند، بعد ایشان را در گهواره گذاشته، به خواهرش فرمودند: «ای حکیمه! مراقب گهواره باش!»۶

---

۳ . موسوعه امام جواد(ع)، ج ۱، ص ۱۲۱.

۴ . ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۳۷.

۵ . همان.

۶ . سیدعبدالرزاق موسوی مقرم، مقتل مقرم زندگانی حضرت جواد(ع)، مترجم پرویز لولاور، ص ۲۹.

حضرت رضا (ع) طول شب را در کنار گهواره پسرشان به سر بردند و با سخنانی او را خندان و شاد کردند. با توجه به این‌که امام رضا (ع) همواره در انتظار تولد فرزند بودند، زمانی که آن نور الهی متولد شدند، امام رضا (ع) او را می‌بویدند و می‌بوسیدند. در هنگام ولادت، زنان پاک‌دامن چون حکیمه خواهرش را گماردند تا مادرش را یاری کند و به وی می‌فرماید تا یک هفته در کنار مادر پرستاری مادر و کودک را عهده‌دار شود و خودشان در کنار گهواره، شب تا صبح با وی انس گرفتند.۷ هم‌چنین در شب ولادت آن حضرت تا صبح در گهواره با او سخن گفتند و اسرار الهی را به او بیان کردند.۸ امام رضا (ع) پس از تولد فرزندش فرمودند:

خداوند فرزندی به من ارزانی داشت که شبیه موسی بن عمران است که دریا را می‌شکافت و مانند عیسی بن مریم است که مادرش مقدسه و منزهه و طاهره و مطهره آفریده شده است.۹

ص: ۱۶۷

کنیه و القاب

کنیه امام جواد (ع)، ابوجعفر است و به دلیل اشتراک با کنیه امام محمدباقر (ع) به ابوجعفر ثانی معروف هستند و کنیه خاص ایشان ابوعلی است.۱۰ در منابع علاوه بر لقب جواد و تقی، القاب فراوان دیگر هم‌چون: زکی، مرتضی، قانع، رضی، مختار، متوکل، مرضی، متقی، منتخب، عالم ربانی و هادی به ایشان نسبت داده‌اند.۱۱ بر اساس نصی که از رسول اکرم (ص) و حضرت امیرالمومنین (ع) رسیده بود، امام رضا (ع) فرزند خود را «جواد، زکی و تقی» ملقب فرمودند،۱۲ هم‌چنین او را صادق صابر، فاضل، قرّه اعین‌المؤمنین و غیظ‌الملحدین خواندند.۱۳

---

۷ . حبیب‌الله احمدی، امام جواد(ع) الگوی زندگی، ص ۳۴.

۸ . شیخ عباس قمی، منتهی‌الامال، ج ۲، ص ۴۶۰.

۹ . علی بن حسین مسعودی، اثبات الوسیله للامام علی بن ابی طالب، ص ۱۷۸.

۱۰ . محمد بن جریر طبری، دلایل الامامه، ص ۳۹۶.

۱۱ . ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۷۹.

۱۲ . مقتل مقرم، ص ۳۲.

۱۳ . شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۵۰.

محمد بن ابی عباد نویسنده حضرت رضا (ع) بود. فضل بن سهل او را مأمور کرد تا گفتار و رفتار حضرت رضا (ع) را زیر نظر داشته باشد. او می‌گوید:

حضرت رضا (ع) همیشه فرزندش محمد را با کنیه نام می‌برد. نامه برای ابوجعفر نوشتم. یا مشغول نامه نوشتن برای ابوجعفر بودم با این‌که پسرش کودکی بود در مدینه او را با احترام نام می‌برد. نامه‌های حضرت جواد (ع) نیز با نهایت بلاغت و کمال نگارش می‌یافت. یک روز شنیدم حضرت رضا (ع) می‌فرمودند: «ابوجعفر وصی و جانشین من است میان خانواده‌ام پس از من».۱۴

شخصیت امام جواد (ع)

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) فرمودند: «اگر کسی بمیرد، در حالی که امام زمان خودش را نشناخته است، مرگ چنین انسانی مرگ جاهلانه است.» با توجه به این کلام، از یک‌سوی، امام‌شناسی و شناخت ویژگی‌های امام راستین، یک ضرورت است و از سوی دیگر، شناختِ راستین و مورداطمینان. بر این

اساس، می‌توان گفت: «شناخت امام در آینه امام دیگر» بهترین و صادق‌ترین نوع شناخت خواهد بود. ازاین‌رو، آن‌چه در ادامه می‌آید، سیمای مبارک امام جواد (ع) در آینه بیان امام رضا (ع) است.

امام جواد (ع) تحت تربیت پدر بزرگوارش و به جهت اصالت ذاتی خاندانش، فردی بسیار بخشنده بودند. لقب «جواد»، حاکی از آن است که آن حضرت اهل بخشش و به سخاوت مشهور بودند. ایشان در آغاز هر ماه صدقه می‌دادند، آنچه به دست می‌آوردند قسمت عمده‌اش را به علویان اختصاص می‌دادند. مقداری از بیت‌المال را که به ایشان پرداخت می‌شد، نیز انفاق می‌کردند. هم‌چنین درآمد ناشی از موقوفات اجدادش را که خود شخصاً روی باغ‌ها و مزارع آن‌ها کار می‌کردند، صرف اهداف عالیه خود و نیازهای جامعه اسلامی می‌نمودند. درآمد موقوفات امیرالمؤمنین علی (ع) در مدینه را که در اختیار ایشان بود نیز بین خویشان و فقرا تقسیم می‌نمودند. هم‌چنین هنگامی که قصد ترک بغداد به سوی مدینه را داشتند، همه دارایی خویش را در راه خدا انفاق کردند.۱۵

---

۱۴ . مرضیه محمد زاده، محمد بن علی(ع)، امام جواد، ص ۵۵.

۱۵ . همان، ص ۵۷.

تا زمانی که حضرت رضا (ع) در مدینه حضور داشتند، امام جواد (ع)، تحت تربیت و توجه ایشان بودند. آن‌چه این اهتمام امام رضاع (ع) را بیش از پیش نشان می‌دهد، نامه‌هایی است که از آن حضرت از توس به مدینه فرستاده شده است. محتوا و درون‌مایه اصلی این نامه‌ها، توجه و توصیه‌های اخلاقی امام رضا (ع) به فرزندش است. این نامه‌ها، تأثیر شگرفی بر سلوک رفتاری و شکل‌گیری شخصیت امام جواد (ع) داشت. این نامه‌ها، در منابع مختلف روایی و به ویژه منابع ناظر به حضرت رضا (ع) و امام جواد (ع) آمده است. آیت‌الله احمدی میانجی از جمله کسانی است که به گردآوری این نامه‌ها اهتمام ویژه داشت. ایشان مجموعه نامه‌های امام را در کتاب چندجلدی، با عنوان مکاتب‌الائمه گردآوری نموده است.۱۶

ص: ۱۶۹

پاره‌ای ازسفارش‌ها و نامه‌های اخلاقی امام رضا (ع) به امام جواد (ع)

امام رضا (ع) از خراسان نامه‌های متعددی برای فرزندشان می‌فرستادند و طی آن تذکرات لازم را به ایشان می‌نمودند. از جمله نامه‌ای است که مرحوم صدوق از بزنطی نقل کرده:

شنیده‌ام مواقعی که از خانه بیرون می‌روی و سوار می‌شوی، همراهان تو را از درب پنهانی بیرون می‌برند، برای آن‌که افراد نیازمند به شما دست نیابند. فرزند عزیزم! گوش به سخن مردم بخیل مده! به شما توصیه می‌کنم ورود و خروج خود را از درب بزرگ قرار بدهی تا همه مردم به شما دست‌رسی داشته باشند و نیازمندان درخواست خود را بیان کنند و به حاجت خود برسند. هر وقت از خانه بیرون می‌روی، دینار و درهم و سیم و زر فراوان با خود بردار و هر کس دست نیاز به سوی تو دراز کرد، محرومش مکن. اگر خویشاوندانت از تو چیزی خواستند، به مردان کم‌تر از پنجاه دینار و به زنان کم‌تر از ۲۵ دینار مده. این کم‌ترین عطای تو به آن‌هاست. بیش از این چیزی بیان نمی‌دارم. تو خود می‌دانی که وظیفه‌ات چیست. من از این یادآوری، رفعت و عظمت تو را خواستارم. پس انفاق کن و آن کسی که در سایه عرش الهی است، از تنگی معیشت ترسی ندارد.۱۷

۱۶ . چنان‌که پیش از این، مجموعه نامه‌های رسول گرامی اسلام(ص) را در کتاب چندجلدی مکاتب الرسول در دست‌رس همگان قرار داده بود.

۱۷ . محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۳؛ عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۱.

« یا أبا جَعفَرٍ، بَلَغَنی أنَّ المَوالی إذا رَکبَت أخرَجوک مِنَ البابِ الصَّغیرِ، فَإنَّما ذلِک مِن بُخلٍ مِنهُم؛ لِئَلّا ینالَ مِنک أحَدٌ خَیراً، وَأسألُک بِحَقّی عَلَیک لا یکن مَدخَلُک وَ مَخرَجُک إلّا مِنَ البابِ الکبیرِ، فَإذا رَکبتَ فَلیکن مَعَک ذَهَبٌ وَفِضَّةٌ، ثُمَّ لا یسألُک أحَدٌ شیئاً إلّا أعطَیتَهُ. وَمَن سَألَک مِن عُمومَتِک أن تَبَرَّهُ فَلا تُعطِهِ

هم‌چنین نامه‌ای را محمد بن عیسی بن زیاد روایت کرده که در بخشی از آن امام رضا (ع) برای فرزندش می‌نویسند:

به نام خدای بخشنده مهربان! خدایت دورانی طولانی باقی گذارد و از شر دشمنان محفوظت دارد! ای پسرم، پدرت فدای تو باد! آن‌چه نزد من بود برای تو تفسیر کردم، در حالی که زنده بودم و در کمال اعتدال؛ امیدوارم که خداوند به تو توفیق عنایت فرماید که به خویشاوندانت و دوستان ... و

ص: ۱۷۰

خداوند به تو وسعت روزی داده، پس از آن‌چه خدا به تو بخشش کرده در راه او انفاق کن. کارهایت را با مشورت من انجام بده، مخصوصاً کارهایی را که دوست داری به نتیجه کامل برسند.۱۸

امامت امام جواد (ع)

امامت و مسائل پیرامون آن

مام رضا (ع) ۴۸ ساله بودند که خداوند امام جواد (ع) را به ایشان عطا فرمودند. این تأخیر، باعث شد که بسیاری از مردم از امام رضا (ع) سراغ امام پس از ایشان را بگیرند. امام رضا (ع) نیز چه قبل از ولادت امام جواد (ع) و چه بعد از آن، فرزند خویش را به اسم و رسم معرفی می‌نمودند و ایشان را به بسیاری از اصحاب خویش نشان می‌دادند. در هنگام سفر به خراسان، امام رضا (ع) ودایع امامت را به امام جواد (ع) دادند.۱۹ روایات بسیاری بیان‌گر تصریح یا اشاره امام رضا (ع) بر امامت فرزندش است که بخشی از آن در سطور پیشین اشاره شد و بخشی از آن ذیلًا بیان می‌گردد:

پس از تولد امام جواد (ع)، امام رضا (ع) به شیوه‌های گوناگون، از جمله با نشان دادن مهر امامت وی به یاران خود و ذکر این‌که مولودی بابرکت‌تر از او زاده نشده، بر امامت فرزند تأکید می‌کردند.

أَقَلَّ مِن خَمسینَ دیناراً، وَالکثیرُ إِلَیک، وَمَن سَأَلَک مِن عَمَّاتِک فَلا تُعطِها أَقَلَّ مِن خَمسَهٍ وعِشرینَ دیناراً، وَالکثیرُ إِلَیک، إِنَّی إِنَّما أُریدُ بِذلِک أن یرفَعَک اللَّهُ، فَأَنفِق وَلا تَخشَ مِن ذی العَرشِ إِقتاراً».

۱۸ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۳.

۱۹ . فضل‌الله صلواتی، تحلیلی از زندگانی و دوران امام محمد تقی(ع)، ص ۳۹۲.

از علی بن جعفر نقل شده که خویشاوندان و برادران امام رضا (ع) به جهت حسادت و کینه‌ورزی، نزد امام رضا (ع) رفتند و گفتند: «در میان ما امامی که رنگش گندم‌گون باشد وجود ندارد، حال آن‌که ابوجعفر (ع) گندم‌گون هستند». امام رضا (ع) فرمودند: «او پسر من است». آنان گفتند: «حضرت رسول اکرم (ص) قیافه‌شناسی را معتبر دانسته؛ باید قیافه‌شناسان بین ما و شما قضاوت کنند. حضرت فرمود: «شما در پی آنان بفرستید، اما من این کار را نمی‌کنم و به آنان نگویید برای چه دعوتشان کرده‌اید. وقتی قیافه‌شناسان آمدند ما را در باغ بنشانید». عموها، برادران و خواهران

ص: ۱۷۱

امام رضا (ع) همه در صحنی نشستند. آن حضرت در حالی که جامه‌ای گشاده و پشمین بر تن و کلاهی بر سر و بیلی بر دوش داشتند، در میان باغ مشغول بیل زدن شدند، گویی که باغبان هستند و ارتباطی با حاضران ندارند. آن‌گاه امام جواد (ع) را در مجلس حاضر کردند و از قیافه‌شناسان یافتن پدرش را درخواست نمودند. همه آنان به اتفاق گفتند که پدر این کودک در این جمع حضور ندارد، اما این شخص عموی پدرش و این، عموی خود اوست و این عمه اوست. اگر پدر او نیز این‌جا باشد، باید آن مردی باشد که در داخل باغ، بیل بر دوش گذارده؛ زیرا ساق پای این دو بر یک‌گونه است. در این وقت امام رضا (ع) وارد آن جمع شدند و قیافه‌شناسان به اتفاق گفتند: «این پدر آن کودک است». در این هنگام علی بن جعفر، عموی امام رضا (ع)، از جا برخاست و بوسه بر لب‌های حضرت جواد (ع) زد و عرض کرد: «گواهی می‌دهم که تو در پیشگاه خدا امام من هستی».۲۰

به همین دلیل، امام رضا (ع) خود را به رسول خدا (ص)، و فرزندش امام جواد (ع) را به ابراهیم فرزند پیامبر (ص) تشبیه می‌کنند؛ زیرا پس از تولد ابراهیم از ماریه قبطیه برخی از همسران پیامبر (ص) از روی کینه و حسد چنین تهمتی به وی زدند.۲۱

ابن‌قیاما گوید:

خدمت حضرت رضا (ع) رسیدم موقعی که فرزندش ابوجعفر متولد شده بود؛ فرمودند: «خداوند مرا فرزندی عطا فرمود که وارث من و وارث آل‌داوود باشد».۲۲

---

۲۰ . اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲۱ . محمد بن جریر طبری، دلایل الامامه، ص ۲۰۱– ۲۰۴.

علی بن اسباط و عباد بن اسماعیل گفتند: ما خدمت حضرت رضا (ع) در «منی» بودیم فرزندش ابوجعفر را آوردند. عرض کردیم: «این مولود مبارکی است!» فرمودند: «آری؛

هذا المولود الذی لم یولد فی الاسلام اعظم برکهٔ منه؛

این فرزندی است که در اسلام بابرکت‌تر از این فرزند متولد نشده است».۲۳

ص: ۱۷۲

ابویحیی صنعانی گفت:

خدمت حضرت رضا (ع) بودم، پسرش حضرت جواد را که کودکی بود، برایش آوردند. ایشان فرمودند:

فقال: «هذا المولود الذی لم یولد مولود اعظم علی شیعتنا برکهٔ منه»؛۲۴

در اسلام فرزندی متولد نشده که بیش‌تر از این پسر برای شیعیان ما برکت داشته باشد.

بنان بن نافع نقل می‌کند:

روزی از حضرت امام رضا (ع) درباره امام بعدی پرسیدم؛ حضرت فرمودند: «کسی که از این در بر تو وارد خواهد شد، پس از من حجت خداوند است». در همین حال حضرت جواد (ع) داخل شدند. سپس امام رضا (ع) فرمودند: «ای پسر نافع، تسلیم او باش و به پیرویش اعتراف کن که روح او روح من و روح من، روح رسول خدا (ص) است».۲۵

امام جواد (ع) زیاد به آسمان نگاه می‌کردند و پیوسته در اندیشه بودند، یک روز که سخت به فکر فرو رفته بود، امام رضا (ع) از ایشان پرسیدند: «که به چه چیزی فکر می‌کنی؟» ایشان پاسخ دادند: «در فکر ستمی هستم که چگونه در حق

---

۲۲ . ابوجعفر محمد بن حسن صفار، بصائرالدرجات، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲۳ . بحارالانوار، ح ۵۰، ص ۲۰.

۲۴ . ابومحمد حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۶۱۸.

۲۵ . ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۴۳۵.

مادرم زهرا (س) روا داشتند».۲۶ امام رضا (ع) او را بوسیدند و فرمودند: «تو شایسته امامتی». در آن زمان امام جواد (ع) چهار سال بیش‌تر نداشتند.

در حدیث دیگری، یحیی صنعانی نقل می‌کند:

در مکه خدمت حضرت رضا (ع) رسیدم، در حالی که ایشان مشغول پوست کندن موز بودند که به دهان فرزندش حضرت جواد (ع) می‌گذاشتند. گفتم: «فدایت شوم همین است آن مولود مبارک؟» امام فرمودند: «آری ای یحیی! این همان مولودی است که مانند او در اسلام متولد نشده که تا آن حد بزرگوار باشد و برکت او شامل حال شیعیان ما بشود».۲۷

صفوان بن یحیی نقل می‌کنند:

ص: ۱۷۳

به حضرت رضا (ع) عرض کردم: «ما قبل از این‌که فرزندتان ابوجعفر (حضرت جواد) متولد شود، از شما راجع به امام می‌پرسیدیم، می‌فرمودید خداوند به من فرزندی خواهد داد؛ اکنون که خدا عنایت کرده و چشم ما به جمالش روشن شده، خدا نخواسته باشد که به مصیبت شما و فقدان وجود عزیزتان دچار شویم؛ اما اگر بالاخره چنین شد امام ما کیست؟» ایشان با دست به حضرت جواد (ع) اشاره کردند که آن‌جا ایستاده بود. عرض کردم: «آقا او که هنوز سه سال بیش‌تر ندارد.» فرمودند: «سن کم زیانی به امامت او نمی‌زند. حضرت عیسی (ع) حجت خدا شد با این‌که کم‌تر از سه سال داشت».۲۸

خیرانی از پدر خود نقل کرد که گفت:

---

۲۶ . بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۵۹.

۲۷ . بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۵.

۲۸ . فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۰۳.

خدمت حضرت رضا (ع) در خراسان ایستاده بودم؛ شخصی عرض کرد: «آقا! اگر پیش‌آمدی شد به چه کسی پناه بریم.» فرمودند: «پسرم ابوجعفر.» سؤال‌کننده حضرت جواد (ع) را کوچک انگاشت. حضرت رضا (ع) فرمود: «خداوند عیسی را به نبوت و رسالت برانگیخت و مؤسس یک شریعت قرار داد با این‌که کوچک‌تر از پسرم ابوجعفر بود».۲۹

معمر بن خلاد گوید:

حضرت رضا (ع) مطالبی درباره نشانه‌های امام، بیان کردند و بعد فرمودند: «شما چه احتیاجی به این دارید. من پسرم ابوجعفر (حضرت جواد) را جانشین خود کرده‌ام و او عهده‌دار مقام من است.» سپس فرمود: «ما خانواده چنین هستیم که بچه‌هایمان وارث بزرگانمان می‌شوند بدون کم‌وکاست، عیناً شبیه به یک‌دیگریم».۳۰

ابن‌قیاما واسطی که واقفی‌مذهب بود گوید:

پیش حضرت رضا (ع) رفتم گفتم: ممکن است دو امام در یک‌زمان باشد؟ فرمودند: «مگر این‌که یکی از آن دو ساکت باشد و مأموریتی نداشته باشد.»

ص: ۱۷۴

گفتم: «خوب همین کافی است! شما الآن امامی که ساکت باشد برایتان نیست؟» فرمود: «چرا به خدا قسم مرا روزی فرزندی عطا خواهد فرمود که حق و حقیقت‌جویان را تقویت می‌کند و باطل و باطل‌گرایان را نابود می‌نماید.» پس از یک‌سال حضرت جواد (ع) برایش متولد شد.۳۱

حسن بن جهم گفت:

خدمت حضرت رضا (ع) نشسته بودم، فرزندش را صدا زدند هنوز کوچک بود. او را روی زانوی من نشاندند و فرمودند: «پیراهنش را از تنش بیرون بیار!» پیراهن او را که بیرون آوردم. فرمودند: «وسط شانه‌اش را تماشا کن!» وقتی نگاه

---

۲۹ . ارشاد القلوب، ص ۶۱۷.

۳۰ . علامه حلی، نگاهی بر زندگی دوازده امام، ص ۲۱۹.

۳۱ . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۰.

کردم، در طرف یکی از شانه‌هایش مثل یک مهر زیر گوشت دیده می‌شد. فرمودند: «این علامت را می‌بینی؟ چنین علامتی را در همین محل پدرم داشت».۳۲

ص: ۱۷۵

منابع

ابن شهرآشوب، رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، قم: علامه.

ابن‌بابویه، ابوجعفر محمد بن علی صدوق، (۱۳۶۳)، عیون اخبارالرضا، ج ۲، قم: چاپ مهدی لاجوردی.

احمدی، حبیب‌الله، (۱۳۸۹)، امام جواد (ع) الگوی زندگی، قم: فاطیما.

دیلمی، ابومحمد حسن بن ابی الحسن، (۱۳۷۵)، ارشاد القلوب، تهران: مرکز نشر کتاب.

شیخ عباس قمی، منتهی‌الامال، ج ۲، قم: هجرت.

صفار، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۴)، بصائرالدرجات، ج ۳، تهران: منشورات الاعلمی.

صلواتی، فضل‌الله، (۱۳۸۴)، تحلیلی از زندگانی و دوران امام محمدتقی (ع)، تهران: انتشارات اطلاعات.

طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۳)، دلایل الامامه، چاپ سوم، قم: منشورات الرضی.

علامه حلی، (۱۳۸۰)، نگاهی بر زندگی دوازده امام، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فتال نیشابوری، (۱۳۸۶)، روضه‌الواعظین، تحقیق سیدمهدی خراسان، نجف: مطبعه الحیدریه.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۱)، الکافی، ج ۵، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران.

کلینی، (۱۳۸۱)، اصول کافی، ج ۱، تهران: مکتبه الصدوق.

مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، بحارالانوار، ج ۵۰، تهران: مکتبه الاسلامیه.

محمد زاده، مرضیه، (۱۳۹۰)، محمد بن علی (ع)، امام جواد، چاپ اول، قم: دلیل ما.

۳۲ . ارشاد القلوب، ص ۶۱۸.

مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹)، اثبات الوسیله للامام علی بن ابی طالب، بیروت: دارالاضواء.

موسوعه امام جواد (ع)، (۱۴۱۹)، ج ۱، قم: مؤسسه ولی العصر (ع) للدرسات الاسلامیه.

موسوی مقرم، سیدعبدالرزاق، (۱۳۸۹)، مقتل مقرم، مترجم پرویز لولاور، چاپ اول، تهران: آرام دل.

بررسی و تحلیل شرح‌حال امام جواد (ع) در ابواب‌التاریخِ کتاب کافی

منصور داداش‌نژاد[۳۳]

چکیده

کلینی (م ۳۲۹ ق) در کتاب شریف کافی در «ابواب‌التاریخ»، به شرح حال ائمه (علیهم السلام) پرداخته و بابی را به مولد امام جواد (ع) اختصاص داده است. وی در این باب، آگاهی‌های مربوط به امام را در دو بخش تنظیم کرده است. ابتدا در پنج سطر به دادن آگاهی‌های کلی و بدون سند درباره امام پرداخته که این اطلاعات بیش‌تر ماهیت گاه‌شماری دارد. در ادامه، دوازده روایت به گونه مسند درباره توانایی‌ها و علم امام آورده است. در این نوشتار، ضمن بررسی اطلاعات کلی درج‌شده توسط کلینی و جست‌جو در منابع آن، به گونه‌های روایات وی درباره امام جواد (ع) خواهیم پرداخت. کلینی روایاتی را انتخاب کرده که منزلت قدسی امام را نشان می‌دهد و بر توانایی و علم کامل ایشان تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، کلینی، کافی، ائمه.

مقدمه

---

۳۳ . استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کتاب کافی، از جمله مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی شیعه است که در عصر غیبت صغرا و نزدیک به دوران حضور ائمه تدوین شده و در شمار کهن‌ترین منابعی به شمار می‌آید که به شرح‌حال ائمه پرداخته است. کلینی این کتاب را از میان حجم انبوهی از روایات بر جای مانده در کتب حدیث پیشینیان گرد آورده و در این گردآوری، میان گرایش‌های درون‌گروهی شیعه به‌گونه‌ای تلفیق

ص: ۱۷۸

نمود. در عصر وی، دو گرایش در زمینه منزلت و ویژگی‌های ائمه وجود داشت: گرایشی که بر منزلت قدسی و ویژگی‌های فوق‌العاده ائمه (علیهم السلام) تأکید می‌کرد و گرایشی که ویژگی‌های طبیعی و امتیازات معنوی و اخلاقی ایشان را برجسته نشان می‌داد. کلینی در گزینش احادیث و روایات مربوط به امام جواد (ع)، بیش‌تر احادیث و گزارش‌هایی را بازتاب داده که بر ویژگی‌های فوق‌العاده امام تأکید می‌کرده است. این نحوه رفتار کلینی، به جهت نوع خاص زندگی امام جواد (ع) و روایات و گزارش‌های برجای‌مانده مربوط به آن حضرت بود. امام جواد (ع) در خردسالی به امامت رسیدند و برای اثبات امامت ایشان به گزارش اقدامات خارق‌العاده‌ای نیاز بود که می‌توانست منزلت و موقعیت امام را تثبیت نماید.

الف) آگاهی‌های کلی

کلینی پیش از آوردن احادیث و روایات مربوط به امام جواد (ع)، در پنج سطر اطلاعات کلی از امام برای مخاطب خویش بیان می‌کند که بدون سند و منبع است. این چند سطر به عنوان مدخل باب «مولد ابی جعفر محمد بن علی الثانی (ع)» به شمار می‌رود که او پیش از آوردن روایات بدان اقدام کرده و روشی است که درباره دیگر ائمه نیز بدان ملتزم بوده و در شرح‌حال ایشان نیز به فراخور اطلاعات موجود، کلیاتی درباره آن‌ها داده است. این پنج سطر، قلم خود کلینی است و متن روایت نیست و شامل آگاهی‌هایی به شرح زیر است:

۱. ولادت امام در ماه رمضان سال ۱۹۵ قمری؛

۲. درگذشت امام در پایان ماه ذی‌القعده سال ۲۲۰ قمری در حالی که ۲۵ سال و دو ماه و هیجده روز داشتند؛

۳. دفن امام در بغداد، در مقابر قریش نزد قبر جدش موسی بن جعفر (ع)؛

۴. احضار آن حضرت به بغداد توسط معتصم در اوایل سال ۲۲۰ قمری؛

۵. مادرش کنیزی به نام سَبیکه از نوبه بود که برخی نام او را خیزران نیز

ص: ۱۷۹

گفته‌اند. گفته شده که وی از اهل‌بیت ماریه، مادر ابراهیم پسر پیامبر (ص) بود.

درباره این اطلاعات، میان برخی از نویسندگان هم‌عصر کلینی اجماع و اتفاق بوده و در برخی موارد، اختلافاتی میان نویسندگان پیش از کلینی وجود داشته است که در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود:

محور اول

در این‌که امام در سال ۱۹۵ قمری متولد شده اختلافی نیست؛ اما در ماه تولد و روز آن اختلاف است. برخی ماه رمضان و برخی ماه رجب را ماه تولد ذکر کرده‌اند. روایت احمد بن عیاش جوهری (م ۴۰۱ ق) که بر پایه دعایی است که از ناحیه مقدسه رسیده، تولد امام را در دهم رجب ذکر می‌کند.۳۴ کلینی روایت تولد در ماه رمضان را ترجیح داده و انتخاب کرده است. از روز تولد، که برخی نیمه رمضان و برخی هفدهم یا نوزدهم ذکر کرده‌اند نیز گذر کرده و بدان متعرض نشده است.

محور دوم

کلینی وفات امام را در ماه ذی‌القعده می‌داند اما بر اساس برخی اقوال، این حادثه در ماه ذی‌الحجه رخ داده است۳۵. یک روایت در این باره از علی بن مهزیار۳۶ نقل گردیده که به محمد بن سنان منتهی می‌شود و کلینی نیز هنگام نقل روایات آن را گزارش کرده است (روایت شماره ۱۲). بر اساس این روایت، وفات امام در ششم ذی‌الحجه سال ۲۲۰ قمری رخ داده و سن امام در این هنگام، ۲۵ سال و سه ماه و دوازده روز بوده است. اما کلینی در توضیحات آغازین و منتخب خویش، به این گزارش اعتنایی نکرده و بر اطلاعاتی تکیه کرده که هم‌خوان با روایت علی بن مهزیار نیست. او وفات امام را در آخر ذی‌القعده (نه ششم

---

۳۴ . مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۸۰۵؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۲۱۵.

۳۵ . تاریخ اهل‌البیت، ص ۸۵.

۳۶ . علی بن مهزیار کتاب‌های بسیاری داشته که نجاشی آن‌ها را برشمرده است(رجال نجاشی، ص ۲۵۳). المزار از جمله کتاب‌های وی است که به نظر می‌رسد نقل‌های مربوط به وفات ائمه که کلینی در کافی آورده، همه برگرفته از همین کتاب باشد.

ذی‌الحجه) نوشته و سن امام را در این هنگام ۲۵ سال و دو ماه و هیجده روز (نه سه ماه و دوازده روز) آورده است.

کلینی اطلاعات مربوط به زمان وفات را نه از روایت نصر جهضمی (م ۲۵۰ قمری که در کتاب تاریخ اهل‌البیت منعکس شده) و نه از کتاب علی بن مهزیار برگرفته، زیرا روایات این دو، بر وفات امام در ذی‌الحجه تصریح می‌کنند. عبارات کلینی در این مورد، شباهت بسیاری به کتاب المقالات و الفرق سعدبن عبدالله اشعری قمی (م ۳۰۱ ق) و فرق‌الشیعه نوبختی (م ۳۱۰ ق) دارد.۳۷ محتمل است گزارش کلینی، بر این دو کتاب متکی بوده و یا این‌که نویسندگان یاد شده، از منبع مشترکی استفاده کرده باشند که اینک برای ما ناشناخته است. البته سعدبن‌عبدالله در شمار مشایخ کلینی قرار داشته و گمانه قوی آن است که از کتاب وی بهره برده باشد.

محور سوم

دفن امام در بغداد در مقابر قریش نزد قبر جدش موسی‌بن جعفر (ع). روایات در این مورد با یک‌دیگر اختلافی ندارند و به دفن امام در مقابر قریش اشاره کرده‌اند. کلینی دقیق‌تر مکان دفن را بغداد و نزد قبر جدش موسی‌بن جعفر (ع) ذکر کرده است.

محور چهارم

احضار امام توسط معتصم در اوایل سال ۲۲۰ قمری. منابع حدیثی پیش از کلینی، به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند. چنین مطلبی در فرق الشیعه نوبختی (م ۳۱۰) وجود دارد.۳۸

محور پنجم

کلینی در این محور، به ترکیب اطلاعات و گزارش‌ها دست‌زده است. او اختلافی را یاد کرده که در نام مادر امام جواد (ع) بوده و سبیکه و خیزران را نام

---

۳۷ . فرق الشیعه، ص ۹۱؛ المقالات و الفرق، ص ۹۹.

۳۸ . نک: فرق الشیعه، ص ۹۱.

مادر ایشان دانسته و نسب وی را ذکر کرده که به ماریه می‌رسد. منابع پیش از کلینی هم‌چون تاریخ اهل‌البیت ابن ابی الثلج، به نام سبیکه و خیزران اشاره کرده‌اند.۳۹

از بررسی بخش اول نوشته کلینی که در پنج سطر آمده، به جمع‌بندی ذیل می‌توان دست یافت:

۱. این چند سطر، قلم خود کلینی است و آگاهی‌ها ماهیت گاه‌شماری دارد.

۲. کلینی سعی کرده از میان اخبار، خبری را انتخاب و گزارش کند که رواج و شیوع داشته است، هر چند روایات معارض آن نیز وجود داشته باشد.

۳. وی از درج اختلاف اقوال پرهیز کرده و به ندرت به این موارد پرداخته است، چنان‌که درباره نام مادر امام جواد (ع)، ابتدا نام سَبیکه و در ادامه نام خیزران را نیز ذکر می‌کند. هم‌چنین با تعبیر «رُوِی»، اظهار می‌دارد که وی از اهل‌بیت ماریه بوده است.

۴. کلینی با استفاده از منابع متعدد، توانسته این گزارش مختصر را عرضه نماید. هر چند از منابع خویش یاد نکرده و گزارش‌ها را به گونه مسند نیاورده است. به نظر می‌رسد او در دادن این نوع اطلاعات که ماهیت گاه‌شماری و اطلاعات عمومی داشته، نیاز و لزومی به ذکر سند و منبع نمی‌دیده است چنان‌که در شرح‌حال دیگر ائمه نیز چنین شیوه‌ای را پیش گرفته و سندی به دست نداده است.

ب) روایات

کلینی پس از دادن اطلاعات و آگاهی‌های کلی درباره امام جواد (ع)، در ادامه دوازده روایت نقل کرده که مضمون و موضوع روایات به شرح ذیل است:

۱. طی‌الارض مرد شامی به کمک امام جواد (ع) برای زیارت مسجد کوفه، مکه و مدینه. دستگیری و بازداشت وی توسط کارگزاران حکومت عباسی برای

ادعای طی‌الارض و سرانجام آزادی او از زندان با کمک امام. در این روایت بر قدرت و توانایی امام تأکید شده است.

---

۳۹ . تاریخ اهل‌البیت، ص ۱۲۳.

۲. مردی از مریدان امام تلاش می‌کرد خاکی به عنوان تبرک از اثر قدم حضرت بردارد، ولی امام به‌گونه‌ای رفتار کردند که مانع وی شد. این روایت درصدد است تا آگاهی امام از درون و ضمیر افراد را نشان دهد.

۳. امام جواد (ع) در برابر علی بن اسباط فَطَحی مذهب، بر این‌که امامت می‌تواند به کودک نیز تعلق گیرد، به آیه: (آتَیْناهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا) استناد فرموده و حکم امامت و نبوت را یکی دانسته‌اند. امام در این روایت، خود را برگزیده از سوی خداوند معرفی می‌فرمایند.

۴. مأمون در مراسم زفاف امام جواد (ع)، آوازه‌خوانی به نام مُخارق را مأموریت داد تا برای آزار امام نزد وی تار و تنبور بنوازد. مخارق نیز بی‌محابا چنین کرد. امام فریادی بر او کشیدند و همین موجب تعطیل کار او و مرگش شد. در این روایت، بر توانایی و تصرف امام بر افراد تأکید شده است.

۵. شناسایی رقعه‌های به هم‌آمیخته توسط امام و بهبود بیماری که به خوردن گِل عادت داشت با دعای امام. این روایت بر دانش و قدرتمندی امام تأکید می‌کند.

۶. امام از تشنگی فردی که به دیدار وی آمده، آگاه بودند و می‌دانستند که وی از طلب و خوردن آب به جهت شک وی به مسموم بودن آب، پرهیز می‌کند. ازاین‌رو امام، ضمن طلب آب برای وی، ابتدا خود از آب نوشیدند تا وی به سلامت آب اطمینان کند. این روایت، آگاهی امام از ضمیر و درون افراد را بیان می‌کند.

۷. امام در یک مجلس، در حالی که ده سال داشتند، به سی هزار مسأله پاسخ دادند. این روایت دانش مطلق امام را نشان می‌دهد.

۸. آگاهی امام جواد (ع) از ناسپاسی دعبل خزاعی هنگام دریافت هدیه از پدرش امام رضا (ع). روایت بر علم امام از پیشینه امور خبر می‌دهد.

ص: ۱۸۳

۹. نفرین امام بر عُمر بن فَرج رُخَّجی، پس از شهادت حضرت، محقق شد و او گرفتار زندان و مرگ گردید. روایت بر این نکته تأکید می‌کند که دعای امام مستجاب است.

۱۰. بارور شدن درخت سِدر خشک‌شده با وضوی امام در پای آن. این روایت، توانایی امام بر تصرف در جمادات را انعکاس می‌دهد.

۱۱. علم امام به بدهی پدرش به افراد و پرداخت آن به همان میزان. روایت بر آگاهی امام از گذشته امور تاکید می‌کند.

۱۲. روایت علی بن مهزیار در مورد اطلاعات کلی درباره امام؛ امام هنگام درگذشت ۲۵ سال داشته، وفاتش در سال ۲۲۰ بوده و بعد از پدرش نوزده سال زندگی کرده است. این روایت هرچند به صورت مسند و در قالب روایت است، ماهیت آن سال‌شمار و از سنخ اطلاعات بخش اول است.

راویان دوازده روایت و موضوع آن:

...

...

کلینی این روایات را از مشایخ قمی خویش نقل کرده که عبارت‌اند از:

۱. حسین بن محمد اشعری چهار روایت؛

۲. علی بن محمد علان کلینی سه روایت؛

۳. احمد بن ادریس قمی دو روایت؛

۴. علی بن ابراهیم بن هاشم قمی یک روایت؛

۵. سعد بن عبدالله قمی و عبدالله بن جعفر حمیری یک روایت؛

۶. عده من اصحابنا یک روایت.

راویان قمی در صدر همه اسناد این دوازده روایت، قرار دارند و انتهای سند به افراد مختلفی می‌رسد و نام‌ها مشترک نیست. از بررسی نام‌های موجود در صدر و انتهای سند و توجه به خاستگاه ایشان، می‌توان به این نتیجه رسید که کلینی روایات کوفیان و بغدادیان درباره امام جواد (ع) را که به تأیید مشایخ قم نیز رسیده بود گزینش و روایت کرده است.

ص: ۱۸۵

از میان این دوازده روایت، تنها روایت اول و سوم با متن مشابه در بصائرالدرجات صفار قمی (م ۲۹۰ ق) آمده است. دیگر روایات در منابع چاپ شده پیش از کافی هم‌چون محاسن برقی یافت نشد.۴۰.

موضوع اصلی همه این روایات، درباره دانش و توانایی امام است. تأکید بر این دو ویژگی امام، بدان جهت بود که آن حضرت در خردسالی به امامت رسیدند و چنین تصور می‌شد که ایشان با این شرایط سنی، شایستگی این مقام را ندارد. روایات با تأکید بر دانش و توانایی امام، درصدد، نشان دادن صلاحیت و شایستگی کامل امام برای این مقام هستند.

ملاحظات و اشکالات

ملاحظات و اشکالاتی بر برخی از روایات کلینی به نظر می‌رسد که به شرح ذیل است:

۱. در روایت اول، علی بن خالد که راوی اصلی روایت است، اظهار می‌کند که در «عسکر» بوده که مرد شامی از زندان با کرامت و اعجاز امام رها شده است. عسکر به طور معمول، به شهر سامرا اشاره دارد. این شهر به عنوان منطقه اداری در دوران امام جواد (ع) هنوز پایه‌ریزی نشده بود و زندان و دستگاه اداری در آن‌جا مستقر نبود تا این حادثه در آن‌جا رخ دهد. معتصم این شهر را در سال ۲۲۱ قمری و پس از شهادت امام جواد (ع) به عنوان پایتخت برگزید و آن را تخطیط کرد و اماکن اداری را در آن پی‌ریخت.

این حادثه در عصر معتصم (خلافت ۲۱۸ تا ۲۲۷ ق) رخ داده است. در روایت، به نام محمد بن عبدالملک زیات (۱۷۳–۲۳۳ ق) وزیر معتصم و واثق اشاره شده است. او در پاسخ مرد شامی که دستگیر شده بود، می‌نویسد: «همان کس که تو را بر این کار (طی‌الارض) قادر ساخت، از او کمک بگیر.» این حادثه شاید میان سال‌های ۲۱۸ تا ۲۲۰ قمری اتفاق افتاده باشد که امام جواد (ع) نیز

ص: ۱۸۶

---

۴۰ . بصائر الدرجات، ص ۲۳۸ و ۴۰۳.

در قید حیات بوده‌اند. البته در مکانی غیر از سامرا.

۲. بر اساس روایت دوم، عبدالله بن رزین که از هواخواهان امام بود، تلاش کرد برای تبرک، از خاک‌پای امام بردارد که امام با رفتارها و تدابیرش مانع آن شدند. مشکل روایت این است که تبرک، موضوعی پذیرفته شده در فرهنگ شیعه است،۴۱ اما این روایت، مخالفت امام با این عمل را نشان می‌دهد. ضمن آن‌که امام، رفتارش را به جهت نیت و قصد یک فرد که هنوز محقق نشده تغییر می‌دهند، حتی با نعلین نماز می‌گزارند تا خاک زیر پایش برداشته نشود. روایت فاقد اطلاعات دیگری است که نشان دهد رفتار این‌گونه امام احتمالًا به جهت سوءبرداشت‌هایی بوده که نااهلان حاضر در صحنه از اقدام عبدالله بن رزین می‌کرده‌اند یا این‌که امام درصدد بوده تا با اندیشه‌هایی که به غلو نزدیک بود، مقابله نمایند. کتاب‌های رجالی درباره گرایش‌های عبدالله بن رزین سخنی نگفته‌اند و او تنها به واسطه همین روایت شناخته شده است.

۳. بر اساس روایت هفتم، امام در یک مجلس در ده‌سالگی به سی هزار مسأله پاسخ می‌دهند. این اتفاق در سال ۲۰۵ قمری و سه سال پس از شهادت امام رضا (ع) رخ داده، زیرا تولد امام در سال ۱۹۵ قمری بوده است. پاسخ دادن به این میزان سؤال در یک جلسه به طور معمول شدنی نیست و تردیدپذیر است. روایت می‌خواهد توانایی علمی امام را نشان دهد که بدین‌گونه و با این تعابیر بیان شده است. بسیار بعید می‌نماید که این رقم را ناسخان و کاتبان بعدی کتاب کافی افزوده و یا تصحیف کرده باشند، همین رقم با اندیشه‌ای که پشت سر این روایت قرار دارد سازگارتر است.۴۲

۴. روایت نهم درباره هلاکت عمر بن فرج رخجی است که سیزده سال پس از شهادت امام جواد (ع) و در سال ۲۳۳ قمری به دست متوکل رخ داد. نام محمد بن سنان زاهری مکنی به ابوجعفر در اسناد کتاب کافی پرتکرار است و بیش از

چهارصد بار تکرار شده است. او در شمار اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) قرار داشت۴۳ و در سال ۲۲۰ قمری درگذشت.۴۴ چنان‌چه او راوی و گزارش‌گر اصلی این روایت باشد، نمی‌تواند رخدادی را شاهد باشد که سیزده سال

---

۴۱ . نک: کتاب التبرک، ص ۱۴۶.

۴۲ . روایت با همین رقم در انتقادی‌ترین چاپ کافی موجود است که دارالحدیث منتشر کرده است.

۴۳ . رجال طوسی، ص ۳۴۴ و ۳۶۴.

۴۴ . رجال نجاشی، ص ۳۲۸.

پس از مرگش رخ داده است. بنابراین یا در اسناد کافی جابه‌جایی صورت گرفته و یا این‌که محمد بن سنان به فرد دیگری اشاره دارد که ناشناخته است.

نتیجه

کلینی در شرح‌حال امام جواد (ع) که با عنوان «باب مولد ابی‌جعفر محمدبن علی الثانی» بدان پرداخته، پس از دادن آگاهی‌های مختصری درباره آن حضرت، دوازده روایت درباره آن امام گردآورده است. وی در شرح‌حال دیگر ائمه (علیهم السلام)، هرچند تلاش کرده میان دو دیدگاه رایج میان شیعیان درباره توانایی‌های ائمه تلفیق نماید، در شرح‌حال امام جواد (ع) چنین نکرده و تنها بر منزلت قدسی، توانایی و علم ویژه امام تأکید کرده است. این بدان جهت بوده که امام جواد (ع) در سنین خردسالی به امامت رسیدند و ضرورت ایجاب می‌کرد که به توانایی‌های امام و دانش ویژه آن حضرت به طور برجسته توجه شود. ازاین‌رو، روایات مربوط به امام جواد (ع) در متون و منابع، بیش‌تر با این ملاحظه گردآوری و گزارش شده و کلینی نیز همین روایات را بازتاب داده است.

منابع

ابن ابی الثلج، تاریخ اهل‌البیت نقلا عن الائمه، قم، آل البیت، ۱۴۱۰ ق.

ابن‌طاووس، اقبال‌الاعمال، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.

احمدی میانجی، التبرک، تهران، نشر مشعر.

اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ ش.

صفار، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

طوسی، محمد بن الحسن، رجال طوسی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۳ ش.

طوسی، محمد بن حسن مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم، چاپ دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ ش.

نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۴ ق.۴۵

ص: ۱۸۹

۴۵ همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه – قم – ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.